

# قرآن و علوم سیاسی و اجتماعی از نگاه مستشرقان

---

(در سنجه نقد شبهات)

---

www.ketab.ir

دکتر محمد جواد اسکندرلو  
دانشیار جامعه المصطفی العالمیه

|                     |   |                                                                                           |
|---------------------|---|-------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : | اسکندریلو، محمدجواد، ۱۳۴۰ -<br>Eskandariloo, Muhammad Jawad                               |
| عنوان و نام پدیدآور | : | قرآن و علوم سیاسی و اجتماعی از نگاه مستشرقان (در سنجه نقد شبیهات) /<br>محمدجواد اسکندریلو |
| مشخصات نشر          | : | قم؛ دارالمبلغین، ۱۳۹۹                                                                     |
| مشخصات ظاهری        | : | ۱۴۴ ص.                                                                                    |
| شابک                | : | ۲۲۰۰۰ ریال: ۶۹-۷۶۸۶-۶۰۰-۹۷۸ ISBN                                                          |
| وضعیت فهرست نویسی   | : | فیبا                                                                                      |
| یادداشت             | : | کتابنامه: ص ۱۴۱                                                                           |
| موضوع               | : | قرآن -- علوم سیاسی                                                                        |
| موضوع               | : | Qur'an--Political science                                                                 |
| موضوع               | : | قرآن -- دفاعیه ها و ردیه ها                                                               |
| موضوع               | : | Qur'an--Apologetic works                                                                  |
| رده بندی کنگره      | : | BP ۱۰۳/۴                                                                                  |
| رده بندی دیویی      | : | ۲۹۷/۱۵۹                                                                                   |
| شماره کتابشناسی ملی | : | ۶۱۸۰۶۹۹                                                                                   |



سازمان نشر کتاب

نام کتاب ..... قرآن و علوم سیاسی و اجتماعی از نگاه مستشرقان (در سنجه نقد شبیهات)  
مؤلف ..... محمدجواد اسکندریلو  
انتشارات ..... دارالمبلغین  
نوبت و سال انتشار ..... اول / ۱۳۹۹  
تیراژ ..... ۱۰۰۰  
چاپ ..... نینوا  
قیمت ..... ۲۲۰۰۰ تومان  
شابک ..... ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۸۶-۶۹-۰  
مرکز پخش:

قم: خیابان ارم، کوچه ۱۶ (ارگ)، جنب حسینیہ ارگ، انتشارات دارالمبلغین

(پخش برادران حسینی)

تماس: ۰۹۱۲۸۷۹۴۰۰۵ - ۳۷۸۳۸۱۸۸ - ۰۲۵

تمام حقوق این اثر متعلق به مؤلف می باشد.

## فهرست مطالب

---

### بخش اول: امور و مسائل سیاسی در قرآن از نگاه مستشرقان

|                                          |    |
|------------------------------------------|----|
| مقدمه.....                               | ۱۳ |
| نقد و بررسی مدخل «سیاست و قرآن».....     | ۱۶ |
| درون مایه های شبهه سیاسی در قرآن.....    | ۱۷ |
| سیاسی کردن قرآن در اوایل اسلام.....      | ۱۸ |
| امکان حکومت انسانی در کنار قرآن.....     | ۲۰ |
| تبیین شبهات و پاسخ به آنها.....          | ۲۲ |
| شبهه اول: لزوم اطاعت از صاحبان قدرت..... | ۲۲ |
| بررسی.....                               | ۲۳ |
| چند شبهه در مبحث «اولوالامر».....        | ۲۹ |

## مقدمه:

قرآن کریم، به عنوان برترین و بالاترین معجزه پیامبر اسلام ﷺ است. قرآن، کتابی است که به منظور هدایت بشر نازل شده است و خود را نور «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ» (مائده: ۱۵) و وسیله هدایت «هُدًى لِلنَّاسِ» (بقره: ۱۸۵) و بیانگر همه چیز «تَبَيَّنَّا لَكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) معرفی می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ از همان نخستین روزهای نزول آیات وحی، به تعلیم و تبیین آیات آن پرداخت.

آموزه‌های دینی و الهی آن حضرت اختصاص به عبادات و مسائل و تکالیف شخصی بشر نداشته؛ بلکه آیات قرآن کریم سرشار است از مسائل و امور اجتماعی و سیاسی که بیانگر سبک زندگی و آیین نامه حیات انسان موحد و حق گرامی باشد. از نخستین اقدامات پیامبر گرامی پس از ورود به مدینه تشکیل حکومت اسلامی بود و در این مسیر با مشکلات اجتماعی گوناگونی مواجه بودند که با درایت خاص خود که برگرفته از سرچشمه زلال وحی بود با این مشکلات برخورد نمود و راهکارهای مناسبی ارائه کرد و این نشانگر اهمیت والای اسلام و قرآن کریم به امور اجتماعی و توجه همه جانبه آن به جامعه و مسائل سیاسی و اجتماعی آن است.

در این کتاب قبل از پرداختن به امور اجتماعی قرآن از نگاه خاورشناسان، ابتدا امور و مسائل سیاسی قرآن (قرآن و سیاست) از منظر مستشرقان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. و مباحثی از قبیل سیاسی و اجتماعی بودن پیام قرآن، طرح مباحث سیاسی در قرآن، گستردگی احکام فقهی حکومتی در اسلام، تبیین مصادیق اولوالامر، منشاء قدرت

و مرجعیت پیامبر ﷺ، منشاء الهی ولایت فقیه و امثال آن مطرح گردیده و به شبهات مستشرقان در این زمینه پاسخ داده می شود.

حکومت و حکومت دینی از برجسته ترین مباحث سیاسی دین مبین اسلام است. حکومت امری است که از دیرباز در جوامع انسانی مطرح بوده و پیشینه ای به درازای جوامع بشری دارد. در اندیشه سیاسی اسلام نیز یکی از شئون امامت (پیامبر ﷺ) و امامان معصوم علیهم السلام زعامت سیاسی و حکومت است و در عصر غیبت این مسئولیت و وظیفه خطیر به فقهای جامع شرایط واگذار گردیده است.

و حکومت دینی حکومتی است که مرجعیت همه جانبه دین خاصی را در عرصه سیاست و اداره جامعه پذیرفته است. «و غرض از تشکیل حکومت دینی، تحقق سعادت انسان ها می باشد که ریشه آن به هدف رسالت انبیا برمی گردد. زیرا هدف نهایی از بعثت پیامبران الهی، سعادت اجتماعی و فردی انسانها بوده است. از این سبب، قوانینی که توسط آنها تاسیس و اجرا شده دو تحقق سعادت در این دو حوزه بوده است؛ حتی اجرای قصاص، حدود، تعزیرات، جهاد و امثال آن برای اصلاح جامعه و فرد می باشد تا در سایه آن ها سعادت انسان ها محقق شود.»<sup>۱</sup>

کامل ترین مصداق حکومت دینی در مکتب اسلام، حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام می باشد. جهان گرایی یا جهانی شدن اسلامی، بر پایه آیات متعدد قرآنی به روشنی و بدون کمترین تلاشی تفسیری قابل اثبات است. همچنین دستاورد مراجعه به آیات قرآنی و روایات اسلامی در زمینه و ابعاد جهانشمولی اسلام، آن است که جهانی شدن اسلام در آینده ای نه چندان دور از سوی امام معصوم بر پایه عدل و قسط پایه ریزی می شود.

حکومت جهانی موعود اسلامی بر فطرت انسانی استوار است و چون خداوند از فطرت

و سرشت انسان ها آگاه است، بالاترین شیوه و شکل حکومت مطابق با فطرت انسانی را حکومتی با زعامت و رهبری امام معصوم قرار داده است. حاصل این حکومت، استقرار عدل و عدالت، دستیابی به رشد و پیشرفت در عرصه های مختلف حیات، نیل به معنویت، امنیت، رضایت و نعمت خواهد بود.<sup>۱</sup>

معیار دینی شدن حکومت، دخالت دادن آموزه های دینی در شئون مختلف سیاست است و آنچه حکومت دینی را از دیگر اشکال دولت متمایز می سازد پذیرش مرجعیت دین در امور سیاسی است پس ماهیت حکومت دینی بستگی تام و کاملی به پذیرش نقش دین در حیات اجتماعی بشر دارد.

ماهیت حکومت دینی در گرو پذیرش مرجعیت دین است، افراد جامعه ای که حکومت دینی تشکیل می دهند دغدغه دین دارند و می خواهند آموزه های دین را در زمینه های مختلف حیات اجتماعی خویش فعلیت بخشند؛ قوانین خویش را متناسب با آن سامان دهند و حاکمان و صاحبان اقتدار سیاسی را متناسب با معیارهای دینی برگزینند و روابط نهادهای قدرت را براساس تعالیم دینی پایه ریزی کنند، و حاکمان جامعه دینی در فرامین و تدابیر و تصمیم های داخلی و خارجی خویش جانب دین را رعایت کرده و بر حفظ اصول و ارزش ها و اهدافی که دین مقرر کرده، بکوشند. به میزانی که به این مرجعیت اعتنا شود، حکومت، رنگ دینی شدن به خود می گیرد.

پذیرش مرجعیت تمام عیار دین و غفلت نکردن از همه آموزه های آن، سطح عالی ترکیب دین و دولت را به دنبال دارد و اگر مرجعیت دین تنها در مرحله حفظ ارزش ها و اصول دین باشد مرتبه نازلترین از حکومت دینی را در اختیار می نهد.

جامعه ای که آموزه های دین در زمینه ساختار قدرت سیاسی و شرایط رهبری را نادیده

۱. ر. ک.: مهدویت و جهانی سازی، پایان نامه ارشد، روح الله شیریان مهشاد، ص ۱۴۰، دفاع شده در دانشکده اصول دین قم، ۱۳۸۶.

می‌گیرد اما بر اجرا و حفظ قوانین شریعت در حقوق خصوصی و حقوق جزا اصرار می‌ورزد، دارای مرتبه‌ای از حکومت دینی است؛ زیرا در برخی زمینه‌ها - قانونگذاری - مرجعیت دین را پذیرفته و درجه از ترکیب دین و دولت را پدید آورده است.

واقعیت آن است که پذیرش مرجعیت دین در حکومت - به خودی خود نه بر نظام سیاسی خاصی - دلالت دارد و نه درجه و مرتبه خاصی از دخالت را برای دین اثبات می‌کند. قلمروی دخالت دین در سیاست تنها با مراجعه عالمانه و روشمند به متون دینی تعیین می‌شود.

از رهگذر این تأمل و دقت است که روشن می‌گردد آیا اسلام نظام سیاسی خاصی را عرضه کرده است؟ آیا در حقوق اساسی تعالیم خاصی دارد؟ آیا در نحوه تدبیر روابط خارجی، آموزه‌های روشنی دارد؟ پاسخ به این قبیل پرسش‌هاست که قلمروی دخالت دین در امر سیاست را معین می‌کند و نشان می‌دهد که اسلام به چه مرتبه‌ای از تلفیق دین و دولت نظر دارد.<sup>۱</sup>

### نقد و بررسی مدخل «سیاست و قرآن»

مدخل سیاست و قرآن، (politics and the Quran) تالیف «پل هک» (Paul L. Heck) است که در جلد چهارم دایره المعارف قرآن لایدن - encyclopaedia of the Quran - vol. 4 - در قالب ۲۶ صفحه (از صفحه ۱۲۵ تا ۱۵۰) ارائه گردیده است.

نویسنده با استفاده از این منابع اصلی، «المصنف» تالیف ابن ابی شیبه، ابوبکر عبدالله بن محمد؛ «سیره ابن اسحاق»؛ «ثلاث رسائل فی الجهاد» تالیف ابن تیمیه؛ «السیاسة الشرعیة فی اصلاح الراعی والرعیة» تالیف ابن تیمیه؛ «طبقات ابن سعد»؛ «رساله فی الصحابه» تالیف ابن مقفع؛ «رساله فی الامامة» تالیف ابوالفوارس، احمد بن یعقوب؛ «الامتناع والموانسة» تالیف ابو حیان توحیدی؛ «رسائل» تالیف اخوان الصفا؛

«القرآن والدوله تالیف خلف الله؛ «الدستور القرآنی فی شئون الحیات» تالیف دروزه؛ «تاریخ طبری»؛ «الاسلام و اصول الحکم» تالیف عبدالرزاق؛ «الاسلام السیاسی» تالیف عثماوی؛ «السیاسه الشریعه فی ضوء نصوص الشریعه و مقاصدها» تالیف قرضاوی؛ «العداله الاجتماعیه فی الاسلام» تالیف سید قطب؛ «احکام السلطانیه والولایات الدینیّه» تالیف ماوردی؛ «تفسیر مجاهد»؛ «تفسیر مقاتل»؛ «صحیح مسلم» و... مباحث ذیل را مطرح کرده است:

- درون مایه های شبه سیاسی در قرآن
- سیاست سیاسی کردن قرآن در اوایل اسلام
- امکان حکومت انسانی در کنار قرآن

«پل هک» بحث خود را در زمینه سیاست و قرآن، اینگونه آغاز می کند: در این مقاله درباره استفاده از قرآن برای ترغیب حکومت یا مبارزه با آن بحث خواهد شد. در این میان سه حوزه محل توجه خواهند بود: یک) در مایه های شبه سیاسی در قرآن؛ دو) سیاسی کردن قرآن در اوایل اسلام؛ سه) امکان و حدود حکومت بشری مطابق با، یا در کنار قرآن به مثابه پیام الهی.

برخی مقدمات از این قرارند: دولت، به مثابه نهادی حاکم بر یک سرزمین و اداره کننده مردم و منابع آن و وضع کننده نظامی اجتماعی - سیاسی، در اوایل اسلام از تجربه و اجماع نخستین مسلمانان به وجود آمده نه از دستور العمل قرآن. پیش از بررسی و نقد شبهات این مدخل، گزارش مختصری از مهمترین مطالب و محتویات آن ارائه می شود:

### درون مایه های شبه سیاسی در قرآن:

به رغم تنوع آرا در باب مضامین سیاسی قرآن، سخنان قرآن درباره پیوند میان سعادت اجتماعی - سیاسی و اطاعت از پیامبر خدا آنگونه که رسولان الهی ابلاغ

کرده‌اند روشن است. انکار پیام الهی به هلاکت به دست خدا می‌انجامد. (فرقان: ۳۷)  
این سنت خدا است (غافر: ۸۵) که کسانی را که بر روی زمین فساد به بار می‌آورند، نابود کند. (قصص: ۴، ۴۳)

واژه‌هایی که به طور سنتی برای حکومت سیاسی (سیاسه) و نظم سیاسی (نظام) به کار می‌رفتند در قرآن غایبند، اما همه چیز در آسمان و زمین مشمول فرمان خداوند برای تدبیر امورند. (سجده: ۵؛ یونس: ۳، ۳۱؛ رعد: ۲).

مسئولیت زندگی مطابق تدبیر خداوند (معادل حکومت در اندیشه سیاسی متقدم اسلامی) از جانب خدا به نوع بشر، که در مفهوم «خلیفه» نمایان است، محول شده است (ر.ک: انعام: ۱۶۵ و یونس: ۱۴، که دلالت دارند بر اینکه این مفهوم، اعم از اینکه به معنای جانشین اقوام پیشین یا نماینده خدا بر روی زمین فهمیده شود، متضمن نوعی آزمایش وفاداری به اراده خداست).  
بازگویی خلاصه وار روایت های اسطوره ای قرآن مهم است. (نک: مدخل اسطوره ها و قصه ها در قرآن)، یعنی داستان های اقوام پیشین که تضاد میان حکومت خدایی و حکومت بشری را برجسته می کنند. سعادت اجتماعی - سیاسی باری سنگین است که در قرآن نه تنها به مثابه ادای وظایف اخلاقی و دینی، بلکه به منزله به جا آوردن مناسک، به قصد یادآوری و ابلاغ روایت اسطوره ای قرآن در نظر گرفته شده است.

### سیاسی کردن قرآن در اوایل اسلام

استفاده ایدئولوژیک از قرآن برای اهداف سیاسی، یعنی سیاسی کردن آن، بسیار زود اتفاق افتاد. کلام خدا نماد مشروعیت تمام عیار اسلامی است و به همین منظور، حکومت های مستقر و نیز شورشگران، فعالان و نظریه پردازان در دفاع از حکومت موروثی یا سیاست انتخابی از آن بهره برده اند. متن مقدس، با توجه به خاستگاه الهی اش، در حکم مرجعیتی بی بدیل، امتیازی در دست حکومتی است که اختیار تدبیر امور دینی

برای نظارت بر این متن را دارد، آنگونه که می‌توان این امر را هم در کهن‌ترین دوره‌ها و هم در دوره‌های متأخر طرح تاریخ اسلام دید. دو نمونه در اینجا قابل ذکرند:

یک) تثبیت متن واحد (مصحف) به دست عثمان، خلیفه سوم که روایت‌های مختلف را به رغم رنجش به اصطلاح قاریان قرآن ممنوع کرد و این تصمیم، به عقیده سیف بن عمر موجب شد که آنان در صدد قتل او برآیند (سیف بن عمر، کتاب الرده، صص ۴۹-۵۲)

دو) تصمیم عبدالحمید دوم به اینکه چاپ قرآن را حق انحصاری دولت عثمانی بداند و هیئتی را تحت نظر مقام عالی دینی دولت (شیخ الاسلام) برای بازنگری همه نسخه‌های شده تعیین کند. حتی دولت‌هایی که تدبیر امور دینی را در دست ندارند ممکن است در صدد مدیریت قرآن برآیند؛ چنانکه جمهوری ترکیه علاقمند است از ترجمه‌های ترکی از قرآن همراه با تفسیر آن حمایت کند.

به کارگیری قرآن برای اهداف گوناگون سیاسی، از صدر اسلام تاکنون صرفاً به این سبب ممکن شده که قرآن، به مثابه کلمه خدا، برای نظارت بشری است.

- آیا قرآن را می‌توان تابع تفسیر بشری کرد؟
- قرآن تا چه حد می‌تواند تحت اراده بشر باشد؟
- آیا خود قرآن حکومت سیاسی را تعیین می‌کند یا در درون مجموعه مفاهیم بشری مربوط به حکومت جا می‌گیرد؟
- آیا خود قرآن نظام سیاسی را شکل می‌دهد یا در خدمت نظام سیاسی قرار می‌گیرد؟

از سویی، برخی از مسلمانان، به خصوص با گرایش خوارجی، اعلام سلطه مطلق خدا در قرآن را بسیار جدی گرفته‌اند. از سوی دیگر، فقدان هرگونه جزئیات درباره سازمان سیاسی در قرآن نیاز به راهنمایی غیروحیانی در قلمروی سیاست را برای بیشتر

مسلمانان آشکار کرده است.

سیاسی کردن قرآن، از آغاز آن، بر امکان تفسیر آن و بنابراین تبعیت از حکم بشری متمرکز بود. این موضوع بسیار گسترده است و در اینجا فقط به نشانه های باقی مانده آن در تاریخ طبری، مورخ قرن سوم هجری، می توان نگاهی گذرا کرد...

### امکان حکومت انسانی در کنار قرآن

موضوعاتی که در بخش پیشین از آنها بحث شد به شیوه های گوناگون در طول تاریخ اسلام اتفاق افتاده اند؛ به خصوص در قالب احساس نیاز به منابع غیر وحیانی برای تصمیم گیری در عرصه سیاسی. به عبارت دیگر، حکم (رأی) انسانی به مثابه عامل مورد تایید اسلام در سازمان سیاسی و همچنین عرف پیش از اسلام را در حوزه مدیریت عمومی، مثلاً در روشهای جمع آوری مالیات، که حاکمان مسلمان همان گونه که مثل گذشته حفظ کردند، چگونه باید فهمید.

در اینجا هم مسئله مشارکت عقل انسان در حکومت اسلامی مطرح بود که در آثار «نصیحه الملوک»، در حفظ عدالت و سعادت اجتماعی - سیاسی شریک دین دانسته می شد، و هم این ادعا، به ویژه در آثار فقهی، در میان بود که اسلام همه عرف پیش از خود را، که ارزشی فقهی پیدا می کرد، نسخ نکرده است.

تبیین ها بر مسئله حکم (رأی) انسانی متمرکز بود. حکم انسانی در حوزه های مربوط به «مصلحت عمومی» که قرآن در آن باره ساکت بود، چه چیزی را تجویز می کرد؟ مسئله مهم نه تنها نسبت به ارتباط امر الهی با جامعه بشری، بلکه ارتباط امر سیاسی با مرجعیت دینی نیز بود. با توجه به تذکر قرآن درباره عمل کردن به تدبیر خداوند برای خلقت، کوشش مسلمانان در طی چند سده برای تشکیل حکومت می بایست میان درک ضرورت و منافع حکومت بشری و دیدگاه متن مقدس مبنی بر اینکه حکومت در نهایت سراسر به خدا تعلق دارد حرکت می کرد. در حالی که عوامل بسیاری در تصورات

مربوط به حکومت نقش دارند.

در خصوص اسلام، این تأثیر متقابل میان امر اجتماعی و امر مربوط به متن مقدس است که نقشی اساسی در این زمینه دارد. مثلاً اعتراض‌ها به حکومت آخرین شاه ایران تا حدی بدان سبب بود که عوامل اجتماعی (یعنی میراث ایرانی سلطنت) را بر امر مربوط به متن مقدس (که در مورد ایرانیان با تلقی شیعی از حق نظارت روحانیان بر امور عمومی یکی شده بود) ترجیح می‌دادند.

به همین سان در مثل، اتحاد انورسادات با غرب به شدت با تصویری که در میان اسلامگرایان درباره حاکمیت انحصاری خدا به نحوه فزاینده گسترش پیدا می‌کرد ناسازگار بود.

با وجود این، تنش میان امر اجتماعی و امر مربوط به متن مقدس را نمی‌توان به تضاد پساستعماری میان ناسیونالیسم سکولار و بنیادگرایی دینی محدود دانست زیرا از مدت‌ها پیش تصدیق شده بود که حکومت سیاسی نمی‌تواند فقط بر مبنای متون وحیانی استوار شود.

از نخستین کسانی که این مسئله را مطرح کرد گروه اندابن مقفع (متوفی ۱۳۹) در نامه اش به منصور عباسی بود. ابن مقفع، مقامی دولتی و تازه گرویده به اسلام، برای تثبیت مرجعیت شرعی رهبری سیاسی می‌بایست میان دو گروه حرکت می‌کرد: یک کسانی که می‌خواهند از اطاعت از حاکم در صورتی که متضمن عصیان در مقابل خدا باشد معاف باشند (یعنی معاف از حکومت سیاسی بر خلاف متن مقدس؛ لاطاعه للمخلوق فی معصیه الخالق).

چنین موضعی اقتدار مطلق (سلطان) را از اساس در دست مردم قرار می‌دهد چرا که به آنها حق انتخاب می‌دهد که تصمیم بگیرند از کدام حاکم اطاعت کنند و از کدام یک از دستورهایش پیروی کنند، و در نهایت موجب می‌شود که همه در تصمیم‌گیری سیاسی برابر باشند. این موضع عواقب ویرانگری برای خود حکومت داشت.